

مانیفست روحانیت ۲

رضا غلامی*

سیستم تاریخی روحانیت تشیع ایران، حتی به اذعان جامعه‌شناسان غربی (به‌عنوان مثال، ساموئل هانتینگتون)، از جمله پویاترین سیستم‌های انسانی به شمار می‌رود. در تقسیم‌بندی عمده سیستم‌ها به دو نوع بسته و باز، حوزه روحانیت شیعه به علت برخورداری از دو مشخصه بارز استقلال و انعطاف‌پذیری، جزو پویاترین سیستم‌های باز انسانی به‌شمار می‌رود. با این‌همه، هر سیستم انسانی، به تناسب ارتباط با محیط پیرامون، شرایط جدید و نیز در ارتباط با دیگر سیستم‌ها و یا به تناسب هرگونه تحول دینامیک و یا حساب‌شده در اجزای تشکیل‌دهنده‌اش (ورودی، خروجی، هدف، نیروی انسانی و...) به سمت بسته یا بازبودن، قوی یا ضعیف‌شدن و همچنین به سمت بی‌هویتی، کسب هویت جدید و یا تثبیت هویت قدیم سیر می‌کند. سازمان روحانیت نیز که تاکنون از سیستم تحول بسیار دینامیک و منعطف درونی تبعیت کرده است، به تبع گسترش فعالیت و حوزه قلمرو و یا به عبارتی بهتر به تبع بزرگ‌شدن بسیار زیاد یکی از بخش‌های آن که سیستم بزرگی به اندازه حکومت کشوری را تحت پوشش خود درآورده است و از این طریق به‌گونه‌ای ناگهانی و فزاینده حوزه روحانیت را در ارتباط مستقیم با تمامی تحولات جهانی قرار داده است، ناچار به پذیرش دگرگونی کلی در تملکی جنبه‌های ساختاری و انسانی شده و خواهد شد. شاید هنوز به‌راحتی نتوان سرانجام این تحول را به لحاظ کم و کیف آن پیش‌بینی و یا ترسیم کرد، اما با توجه به بسط دانش جدید در حوزه شناخت انسان و مجموعه‌های انسانی و سازوکار حاکم بر این مجموعه‌ها و سیستم‌ها، علیرغم عدم شکل‌گیری احاطه کامل در این زمینه بدون شک می‌توان با تدقیق و انجام مطالعات تخصصی همه‌جانبه، سازمانی را برای پیکره روحانیت کشور - با تمامی جوانب آن - ترسیم کرد که ضمن ایجاد تغییرات ساختاری نوین، کارکردهای سنتی آن را حفظ کند. مقاله زیر تلاشی در این راستا به حساب می‌آید.



در قسمت نخست این مقاله بر ضرورت تشکیل سازمان روحانیت - به‌عنوان گامی مهم برای خروج از

روزمرگی، پراکنده‌کاری و نیز ایجاد هماهنگی و انضباط کاری - تاکید شد و ضمن برشمردن اهداف و وظایف این سازمان، تفاوت آن با اتحادیه صنفی و یا وزارت دین در بسیاری از کشورهای سکولار تبیین گردید. البته از ذکر این مهم غفلت شد که سازمان روحانیت علاوه بر بخش‌های پژوهشی، آموزشی و تبلیغی در داخل و خارج، نیازمند تاسیس بخش‌های نظارتی و حمایتی است تا آن قسمت از اهداف مهم روحانیت که رسیدگی به وضع مستمندان، احقاق حقوق مظلومان و مبارزه با قانون‌شکنی است، با عنایت بیشتری مورد پیگیری قرار گیرد.

در بخش دوم قسمت پیشین مقاله، ویژگی‌ها و مختصات یک روحانی تشریح شد و بر این مهم تاکید گردید که تقوا و دانایی مهمترین عوامل موفقیت یک روحانی در زندگی فردی و اجتماعی به‌شمار می‌روند. همچنین گسترش قلمرو مخاطبان روحانیت به تمام اقشار و طبقه‌های جامعه - که هر کدام از تفکر و رفتارهای گوناگون و خاصی برخوردارند - مورد بحث قرار گرفت. در پایان بحث جذب افراد غیرمتدین، موفقیت بزرگی برای یک روحانی برشمرده شد. اینک در ادامه مباحث گذشته، قسمت دوم مقاله ارائه می‌گردد.

فرار از عرفی‌شدن

این قسمت از مقاله عمدتاً به نقش آفرینی روحانیون در بخش‌های غیرپژوهشی و آموزشی اختصاص دارد که روحانیت را عملاً به عرصه مهم سیاست نیز وارد می‌کند. نگارنده معتقد است سخن معروف شهید مدرس مبنی بر این که «سیاست ما عین دینت ما است»، باید پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در میان روحانیان فرصت ظهور و بروز بیابد و روحانیت امروز خود را از دام عرفی‌شدن رها سازد. مقاله حاضر در واقع راهکارهای احیاء و توسعه این تفکر در حوزه‌های علمیه را مطرح نظر قرار داده است.

ضعیف‌ترین قشر اقتصادی کشور

برخلاف تصور رایج، از میان جمعیت کوچک روحانیان

کشور، تنها حدود پنج درصد در ارگان‌های دولتی از مسئولیت‌های مهم برخوردارند که از این میزان نیز تعداد بسیار اندکی در رده مدیران ارشد کشور قرار گرفته‌اند. در دهه اول انقلاب تحولات کشور ایجاد نمود تا امام خمینی (ره) برخلاف میل باطنی به حضور پررنگ روحانیت در عرصه مدیریت اجرایی کشور رضایت دهند اما رفته‌رفته با رفع بسیاری از ضرورت‌های دهه نخستین انقلاب، حضور روحانیان در این عرصه رو به کاهش نهاد؛ چنانکه در حال حاضر در هیات دولت سه روحانی، در رده معاونت و مدیر کل وزارتخانه‌ها و سازمان‌های کشور کمتر از ده روحانی و در مجلس شورای اسلامی تعداد معدودی روحانی مشغول به فعالیت هستند.

همچنین از میان روحانیونی که در ارگان‌های دولتی مناصب مهمی در اختیار دارند، سی درصد از وضع مالی خوب و مابقی از وضع معمولی برخوردار می‌باشند که در قیاس با سایر مسئولان غیرروحانی وضعیت مالی آنها به مراتب پایین‌تر است.

اگر پنج درصد فوق را از کل جمعیت روحانیان کشور کسر نماییم، سایر روحانیان کشور عمدتاً در مشاغل نظیر مدرس حوزه، امام جمعه، قاضی، طلبه و امام جماعت قرار دارند که از این میان حدود هشتاد و پنج درصد شامل طلاب مشغول فراگیری علوم دینی و مابقی ائمه جماعات مساجد هستند.

در حال حاضر حداکثر شهریه یک طلبه متاهل با سابقه حداقل ده سال تحصیل، به هفتاد هزار تومان می‌رسد؛ که همراه با حق‌التدریس ممکن است تا مبلغ صد و بیست هزار تومان افزایش یابد.

همچنین امامان جماعت مساجد - که از هیچ حقوق رسمی و تعیین‌شده‌ای برخوردار نمی‌باشند - بابت مدیریت یک مسجد حداکثر در حد شهریه یک طلبه حقوق ماهانه دریافت می‌کنند. این مبلغ نیز با ملاحظه آن که اغلب مساجد کشور از منابع مالی ثابت برخوردار نیستند، در برخی ماه‌ها حتی به یک سوم کاهش می‌یابد. ائمه جمعه به صرف این که امام جمعه هستند، از حقوق خاصی برخوردار نمی‌باشند و تنها منبع تأمین معاش آنان درصد اندکی از وجوهات شرعی است که از سوی

فضای روشنفکر حوزه، با بهره‌مندی از دانش و مهارت‌های روز و نیز آگاهی از تحولات جهانی نسبت به نیازهای حقیقی نسل جوان کشور صاحب تشخیص‌اند و ضمن تقبیح مواجعه مقطعی، سطحی و سلبی با مسائل جوانان به نام اسلام، از قدرت ارائه طرح جامع و کارآمد برای خروج از بحران فرهنگی موجود و به‌دست‌گیری ابتکار عمل، به‌ویژه در برابر پدیده جهانی‌شدن، برخوردارند

مراجع تقلید مجاز به مصرف آن می‌باشند. از دیگر سو، تنها سی درصد کل روحانیان کشور ملک شخصی در اختیار دارند که اغلب در میان‌سال با وام‌های متعدد موفق به خرید ملکی با میانگین یکصد متر زیربنا می‌شوند و مابقی روحانیان از خانه‌های استیجاری و یا بخشی از فضای مساجد جهت سکونت استفاده می‌نمایند. در این میان درآمدهای متفرقه و البته اندکی چون حق‌التالیف کتب یا مقالات، حق‌التدریس در دانشگاه‌ها، پژوهش در برخی مراکز علمی و یا حق‌الزحمه سخنرانی نیز برای روحانیون متصور است که این مورد صرفاً شامل درصد بسیار اندکی از مدرسان با سابقه حوزه می‌گردد.

این وضعیت در شرایطی است که برخی طلاب شخصا از استعداد و توانایی ورود به فعالیتهای اقتصادی پرسود و یا از پشتوانه ثروت خانواده‌هایشان برخوردارند و این توانایی مالی به‌هیچ‌عنوان ارتباطی با جایگاه روحانی آنان ندارد. بنابراین باید گفت اگر درآمد اقتصادی بحث‌های مختلف جامعه در طول سال مورد محاسبه قرار گیرد، بی‌تردید روحانیت در زمره ضعیف‌ترین اقشار قرار خواهد گرفت. لذا ایجاد شبهه‌های مالی در خصوص این قشر از جامعه مسلماً تهمت و شایعاتی است که برخی دشمنان و یا افراد ناآگاه برای بدنام کردن روحانیت در کشور به آنها وارد می‌سازند.^۱ به‌راستی قرار گرفتن روحانیون در زمره ضعیف‌ترین اقشار اقتصادی جامعه چه فوایدی برای روحانیت در بردارد که این چنین در مقام اثبات یا تایید آن برمی‌آییم؟ شاید بتوان گفت حداقل فایده متصور بر این امر، این باشد که روحانیت امروز طعم محرومیت را چشیده است و لذا اوضاع طیف‌های مستضعف را کاملاً درک می‌کند.

فلسفه استقلال حوزه و روحانیت

شاید در ذهن بسیاری از مردم و حتی طلاب جوان این سوال پدید آمده باشد که با وجود تاسیس یک دولت اسلامی تحت نظارت ولی فقیه، استقلال حوزه‌ها از دولت به چه معناست؟ برای پاسخ به این پرسش باید اندکی در حساسیت و اهمیت وظایف روحانیت متمرکز شد و بر ذکر این نکته بسنده کرد که قدرت در هر بستری فسادآور است و هیچ تضمینی جهت مصون بودن دولت اسلامی از فساد در ابعاد و سطوح مختلف وجود ندارد. باین پیش‌فرض باید گفت استقلال روحانیت در هر صورت کمک شایانی به توقف یا محدود نمودن سوءاستفاده از روحانیت یا عدم تردید روحانیان برای مقابله قاطع با مصادیق فساد در دولت و جامعه خواهد کرد؛ چراکه لازم است روحانیت در افشای حقیقت و رویارویی با تخلف و ظلم بدون هرگونه وابستگی و احساس تعلق عمل کند. درحالی‌که فقدان استقلال حوزه و روحانیت از دولت، مانع بزرگی در این مسیر محسوب می‌شود.^۲

مرز همراهی روحانیت با قوای سه‌گانه

عمل به شریعت و قانون اساسی برگرفته از آن، تنها ميثاق روحانیت با قوای سه‌گانه است. شکی نیست اگر هریک از قوای مجریه، مقننه و قضائیه به این ميثاق

پایبند نباشند، روحانیت هیچ تعهدی برای ادامه همراهی با آنان نخواهد داشت. وجود برخی مصادیق آشکار بی‌عدالتی، نامنی و فساد اقتصادی در کشور، روحانیت و به‌ویژه علمای بزرگ حوزه را با نگرانی‌های فراوانی مواجه ساخته است. استمرار این وضعیت قطعاً از سوی روحانیت به اتخاذ تصمیم و حرکتی تازه جهت اعمال شریعت مبین اسلام و قانون اساسی در کشور و برخورد با مسئولان و سایر عناصر متخلف، منجر خواهد شد.^۳ روحانیت در ایران یک مقام تشریفاتی و یا به عبارتی زینت‌المجالس نبوده و نسبت به تمامی تحولات کشور حساس است و جمله معروف «الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم» واقعیتی است که باید مورد توجه همگان قرار گیرد.

گریز از محافظه‌کاری

در تفکر اسلامی، هیچ مصلحت‌اندیشی یا رفتار محتاطانه‌ای در مسیر عمل به شریعت اسلامی در جامعه از سوی روحانیت پذیرفتنی نیست. روحانیان امروز بیش‌ازهرزمان موقعیت استثنایی اسلام را برای توسعه مرزهای اخلاق و شریعت در جهان درک می‌کنند و هرگونه رفتار مسامحه‌گرایانه با تخلف و متخلفان را بر خود سزاوار نمی‌بینند.^۴ امروزه شأن و منزلت روحانیت نه در محافظه‌کاری بلکه تنها در پاسداری از آزادی و دیانت مردم حفظ می‌شود.^۵ در طول بیست‌وهفت سال اخیر متأسفانه برخی مسئولان متخلف کشور از دغدغه روحانیت برای حفظ حیثیت قوای سه‌گانه سوءاستفاده کردند و همچنان بر این تصورند که روحانیت در مقابل برخی تخلفات آنان به‌خاطر مصالح خاص سکوت خواهد کرد. امروز روحانیت برای کمک به رهبر معظم انقلاب در اصلاح امور، عزم جدی دارد و سکوت در برابر رفتار غیرشرعی و قانونی برخی سرمایه‌داران و یا مسئولان را هرگز برنخواهد تابید.^۶ روحانیت بیدار بر این باور است که مصلحت‌اندیشی در اجرای احکام اسلامی - که تنها از ناحیه معصومان (ع) و ولی فقیه شرعاً مجاز است - نمی‌تواند به‌جز در جایگاه شرعی خود، به نفع حوزه‌های علمیه در پاسداری از اسلام باشد.^۷

پیشگامی جنبش عدالت‌گرایی و ظلم‌ستیزی از سوی حوزه‌ها

در جامعه اسلامی عناصر ظالم و فاسد نباید احساس امنیت کنند. روحانیت شیعه سزاوارترین عناصر جامعه جهت نامن کردن فضا برای ظالمان و جلوداری جنبش عدالت‌گرایی و ظلم‌ستیزی می‌باشد.^۸ برخورد با ظلم، بی‌عدالتی و قانون‌شکنی در هر سطح و اندازه‌ای از طرق گوناگونی همچون افشاء در جامعه، اعتراض، فشار و در نهایت اعمال خشونت شرعی^۹ صورت می‌گیرد. همانگونه که بیان شد، در حال حاضر اخبار مفاسد اقتصادی، رانت خواری و قانون‌گریزی در کشور روحانیت را به‌شدت نگران نموده است. هرچند با دستور اکید و مکرر رهبر معظم انقلاب به قوای سه‌گانه برای مبارزه با مفاسد، اقداماتی آغاز شده است. ولی اولاً از نظر بسیاری از روحانیان این اقدامات کافی نیست و جدیت لازم از

سوی قوا مشاهده نمی‌شود. ثابا مبارزه با فساد نیازمند عزم و اراده ملی و مشارکت عمومی می‌باشد و روحانیت در بسیج مردمی علیه فساد در سطوح مختلف از تجربیات تاریخی معتنا بهی بهره‌مند است که می‌تواند در این برهه حساس از آن استفاده نماید.

البته نباید تصور کرد که مبارزه با فساد و بی‌عدالتی تنها در اندازه‌های بزرگ آن برای روحانیت مهم و قابل توجه است، بلکه ظلم به یک پیرزن در یک روستای دورافتاده از سوی فردی ظالم، به همان اندازه روحانیت را به اقدام فرامی‌خواند که اختلاس چندمیلیارد تومانی یک جوان نوکیسه با حمایت برخی مسئولان متخلف.

ایجاد یک ستاد خبری فراگیر برای رصد مصادیق بی‌عدالتی و فساد و اتخاذ اقدامات هوشمندانه و گسترده در مواجهه با آن از جمله گامهایی است که روحانیت می‌تواند در آینده نزدیک مدنظر قرار دهد.

مساجد و حوزه‌ها؛ پایگاههای اصلاحگری

تحلیل یک تعریف ناقص بر مساجد و حوزه‌ها از سوی عناصر خودی و غیر خودی، بحث قابل ملاحظه‌ای است که امروزه ذهن بسیاری از نجبگان روحانیت را به خود جلب نموده است. مسجد تنها محل اقامه نماز جماعت و برگزاری مراسم مذهبی نیست. جایگاه نمازهای جمعه، محل تشکر، تقدیر و خواندن فهرست مناسبت‌های ملی و مذهبی نمی‌باشد و جایگاه حوزه‌ها به مثابه دانشگاه‌های سکولار در نظر گرفته نمی‌شود که تنها به آموزش و پرورش اختصاص یابند. مساجد، نمازهای جمعه و حوزه‌ها، پایگاههای فرهنگی و سیاسی و مهم‌تر از آن محل رسیدگی به وضع محرومان و مستضعفان هستند. در جامعه اسلامی، مساجد و حوزه‌ها باید محل امید و اتکاء مظلومان و رنج‌دیدگان باشند. امام جماعت به همراه حاضران در مسجد باید - مطابق فرمایش امام‌علی(ع): کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا - از جسارت و قدرت کافی برخوردار بوده و از عهده پیگیری قاطع معضلات برآیند و نسبت به اتفاقات تلخ جامعه بی‌تفاوت نباشند.

شناسایی جایگاه خود و اطرافیان

اگر بخواهیم به‌عنوان یک روحانی، میزان اهمیت خود را نسبت به وظایف اسلامی مورد سنجش قرار دهیم، راههای مختلفی وجود دارد. یکی از ساده‌ترین راهها این است که بررسی کنیم چندبار در هفته یا ماه برای گرفتن حق یک مظلوم، با عبور از تشریفات و شئون بعضا غیراسلامی، شخصا به در خانه یا مغازه فلان فرد، شهرداری، کلاتری و یا فلان اداره رفته‌ایم و با اقتدار موضوع را پیگیری نموده‌ایم؟ در هفته یا ماه چند نامه یا تماس تلفنی برای هشدار به متخلفان در هر سمت، جایگاه و لباسی داشته‌ایم. در سال چند مقاله درباره اوضاع خطیر کشور - چه حمایت و چه نقد و تذکر - در مطبوعات منتشر می‌کنیم و یا چه میزان از مطالب سخنرانیهای خود را به بررسی و تحلیل مشکلات مردم و به‌کارستن راهکارهای اسلامی برای رفع آن اختصاص می‌دهیم؟ اگر برخی روحانیان می‌بینند اساسا مراجعه مردم به درب مساجد، دفاتر و یا منازل روحانیان برای طرح

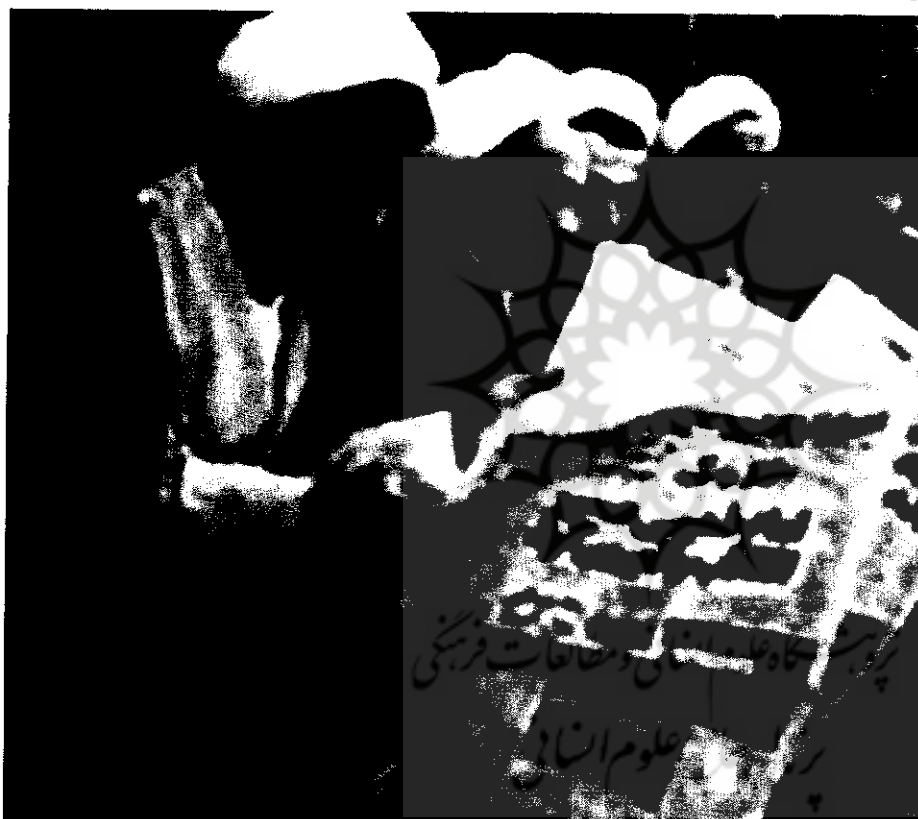
مشکلات فردی و عمومی کاهش یافته است، باید بدانیم بی‌تفاوتی، باعث مراجعه کمتر به روحانیت از سوی مردم شده است و لذا باید سریعاً در رفتار خود تجدینظر کنیم. یک امام‌جمعه باید با مراجعه شخصی و هفتگی به مساجد، منازل، ادارات، بازار و... ضمن ارتباط کاملا فروتنانه با مردم، حداقل به سخنان آنها درباره مشکلاتشان گوش دهد.

خطر شکستن منزلت معنوی روحانیت

در حال حاضر برخی افراد کوتاه‌فکر به‌همراه عده‌ای عناصر معاند، درصدد تحقیر روحانیت و کوچک‌شمردن منزلت ایشان در جامعه می‌باشند. ارائه تصویری عقب‌مانده از روحانیت که از فضای حاکم بر دنیای امروز بی‌خبر است، یکی از این اقدامات به شمار می‌رود.

صرفا جهت حفظ ظواهر، از جمله خطرانی هستند که متوجه نقش و جایگاه روحانیت در جامعه شده‌اند.

مسلمانان روحانی در برابر حرکت اصلاحی خود نباید با دریهای بسته یا کارتابلهای رنگارنگ قرار گیرند. باید منزلت روحانیت در ارائه تذکر و پیگیری امور محرومان و ضعفا از مسئولان در هر سطحی رعایت شود. تذکر یک امام جماعت مسجد کوچک در نقطه‌ای دورافتاده باید به همان میزان مورد اعتنا قرار گیرد که به تذکر یک وزیر یا وکیل بها داده می‌شود. باید محرومان جامعه مطمئن شوند که مساجد و حوزه‌ها بهترین محل برای رفع معضلاتی هستند که در جامعه به هر دلیل مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند و از دیگر سوا افراد متخلف بدانند که قدرت معنوی روحانیان مانع بزرگی برای استمرار تخلفات و زورگوییهای آنان خواهد بود.



قدرت روحانیت

واضح است که جمع تقوا و دانایی، قدرت بی‌نظیری ایجاد می‌کند. در طول تاریخ شاهد حماسه‌های بزرگی از رویارویی روحانیان بی‌ثروت و بی‌سلاح با ظالمان ثروتمند و برخوردار از پشتوانه فیزیکی و تسلیحاتی بوده‌ایم که بی‌تردید انقلاب اسلامی یکی از مهمترین آنها به‌شمار می‌رود. قدرت روحانیت نه به حکومت متصل است - همانطور که بیان شد اتصالی به مفهوم عامیانه آن وجود ندارد - و نه به ثروت ثروتمندان وابستگی دارد، بلکه قدرت روحانیت صرفا از محل تقوا و دانایی و انتسابشان به اسلام و نیز از حمایت توده‌ای مردم نشأت می‌گیرد. این همان قدرتی است که باید به‌درستی شناخته شده و از آن به‌موقع در مسیر تحقق اهداف متعالی اسلام استفاده گردد. باید توجه داشت که در

همچنین استخدام عده‌ای از روحانیان در برخی ادارات تنها برای اقامه نماز جماعت نیز از رفتارهایی است که قطعاً به سود روحانیت نخواهد بود. یک روحانی در هیچ محلی نباید برای اقامه نماز یا تبلیغ وارد شود، مگر آنکه بتواند به همراه این کار به مجموعه وظایف خود عمل کند. لذا ضروری است نمازخانه‌های ادارات نیز همچون مساجد به مثابه پایگاههای فرهنگی، سیاسی و معنوی و نیز همچون یک مکان رسیدگی به وضع روحی و مادی طیفهای ضعیف و مظلوم جامعه عمل کنند تا شان، منزلت و استقلال روحانی حاضر در آن مکان به‌طور کامل حفظ گردد.

همچنین بی‌اعتنایی به تماسها و مکاتبات روحانیان، عدم اجازه ورود به روحانی در برخی ادارات تحت عنوان لزوم هماهنگی قبلی و... و یا استفاده از روحانی در ادارات

مقابل این قدرت بی نظیر، هیچ قدرتی نمی تواند ایستادگی کند و لذا روحانیت در طول تاریخ با اعتماد به نفس و شجاعت کامل و البته با هزینه دست شستن از جان، با تمام وجود از محرومان حمایت کرده است. روحانیان مطمئن هستند که در مواجهه با بیکه تازی سرمایه داران و مرفهین بی درد همواره کامیاب خواهند بود.

حفظ سرمایه محبوبیت مردمی

روشنفکران غربگرا در ایران همواره به مردمی بودن روحانیت و ناکامی خود در ارتباط با توده مردم حسادت ورزیده اند. بی تردید یکی از عوامل موفقیت روحانیت این است که آنان همواره در طول تاریخ از میان توده های مردم برخاسته و در کنار آنها مانده اند. امروز اقشار مختلف مردم به ویژه عناصر دین دار، با وجود دروغها و شیاعت فراوانی که درباره روحانیت منتشر شده است، روحانیان را افرادی امین و دلسوز به حال کشور می دانند و از هر نوع همراهی با آنها، به ویژه در برهه های حساس، کوتاهی نمی ورزند.^{۱۱} روحانیت باید از این سرمایه بی نظیر که همواره موجبات رعب و وحشت عناصر زورگو و دشمنان داخلی و خارجی اسلام و کشور را فراهم نموده، به درستی پاسداری کند و پاسخ این اعتماد عمومی را با حضور جدی و مستقل خود در جامعه ارائه دهد.

چشاندن طعم اسلام ناب محمدی (ص)

امروز ملت ایران و جهان اسلام، بیش از هر زمان دیگری تشنه اسلام ناب محمدی (ص) هستند و روحانیت مسئولیت مهمی برای چشاندن طعم آن در این مقطع حساس کنونی برعهده دارد. عدالت، آزادی، امنیت، اخلاق و آبادانی، از پایه های اصلی جامعه مطلوبی هستند که اسلام ناب همواره در صدد طراحی و راه اندازی آن بوده است و بی تردید انقلاب اسلامی در ایران یکی از گامهای اساسی در این مسیر تلقی می شود. باید در نظر داشت که با همه موفقیت های دو دهه اخیر، هنوز فاصله فعلی کشورمان با نقطه مطلوب بسیار است و حرکت در این مسیر به استمرار تلاش گسترده و همه جانبه روحانیت نیازمند می باشد.

روحانیت و نظام سرمایه داری

هیچ نوع قربایت و دوستی میان نظام سرمایه داری غرب و علایق روحانیت شیعه وجود ندارد.^{۱۲} اجرای کامل شریعت و تحقق عدالت و آزادی مهم ترین دغدغه روحانیت به شمار می رود. امروز در کشور ما تلاشهای بی ثمری برای ایجاد سازگاری میان اصول نظام سرمایه داری و اسلام راستین صورت می گیرد.^{۱۳} اما پرواضح است که حرام خدا تا ابد حرام و حلال خدا تا ابد حلال خواهد ماند و کشور ما برای دستیابی به نقطه مطلوب در عرصه اقتصادی نباید در دام نظام سرمایه داری قرار گیرد. چندی است مطالعه جدی درباره برخی فعالیت های بانکها، موسسات مالی و اعتباری و نیز برخی مشاغل اقتصادی دیگر، از بعد شرعی، به یکی از دغدغه های مجتهدین بزرگوار تبدیل شده و قطعاً فقها

بر اساس رسالت اسلامی خود در بیان حقیقت حکم الهی ذره ای تردید نخواهند داشت. آنچه مسلم است اقتصاد جامعه اسلامی باید طاهر و بدون ابهام و شبهه شرعی و به نفع عموم مردم، به ویژه محرومان حرکت نماید و روحانیت در این مسیر نباید از هیچ کوششی دریغ کند.^{۱۴}

مواجهه با بحران فرهنگی راه حل دارد

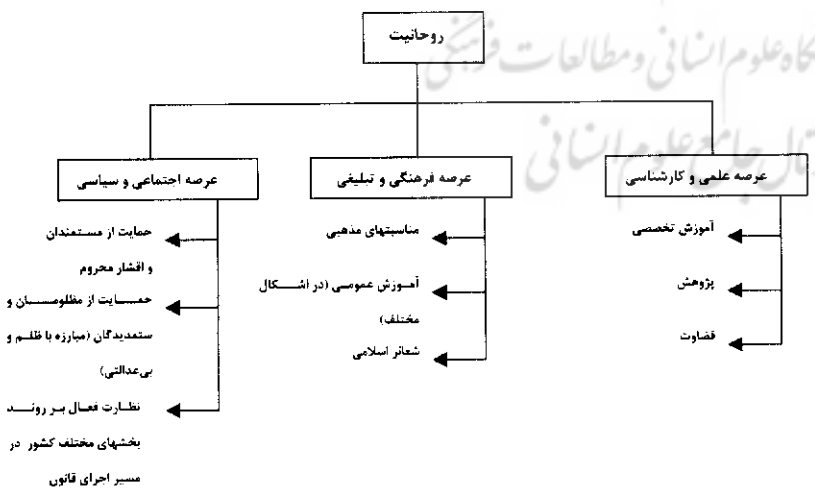
مقوله فرهنگ در جامعه اسلامی مهم تر از آن است که به فعالیت یک وزارتخانه و چند سازمان بسنده شود. متأسفانه عملکرد ضعیف و حتی غیراسلامی برخی موسسات و سازمانهای وابسته به دولت به ویژه در دهه اخیر و یا اشتباهات بزرگ ناشی از ناپختگی برخی سیاستها و برنامه ها، حوزه های علمیه و علماء بزرگ را بارها به عکس العمل واداشته است. امروز کشور ما نیازمند ایجاد یک دستگاه فرهنگی نظام مند و هدفدار است تا بتواند بودجه و امکانات مادی و معنوی کشور را در مسیر تولیدات فرهنگی کارآمد و جذاب و در رقابت با مظاهر فرهنگ غرب سازماندهی نموده و به کارگیرد. اما باید بدانیم که روحانیان در این دستگاه نه عوامل دولت محسوب می شوند و نه با حضور روحانیان، مسئولیت دولت اسلامی در قبال امور فکری و دینی مردم کاهش می یابد. در حال حاضر بسیاری از فضایی جوان حوزه که به برکت انقلاب اسلامی از تجارب و تخصصهای متعدد در زمینه های فرهنگی بهره مند شده اند، پیش از هر چیز، انجام اقداماتی را از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر مراجع ذی صلاح برای ارائه طرحی جامع و کارآمد درباره اصلاح و ساماندهی وضع فرهنگی کشور انتظار می کشند^{۱۵} و قصد دارند از هرگونه مساعدت به مراجع مزبور برای

تحقق این مهم دریغ نورزند. اما این به معنای آن نخواهد بود که روحانیان کشور در برابر کوتاهی یا ضعف مراجع ذی ربط بی تفاوت باشند؛ چراکه فضایی روشنفکر حوزه، با بهره مندی از دانش و مهارتهای روز و نیز آگاهی از تحولات جهانی نسبت به نیازهای حقیقی نسل جوان کشور صاحب تشخیص اند و ضمن تقبیح مواجهه مقطعی، سطحی و سلیبی با مسائل جوانان به نام اسلام^{۱۶} از قدرت ارائه طرح جامع و کارآمد برای خروج از بحران فرهنگی موجود و به دست گیری ابتکار عمل، به ویژه در برابر پدیده جهانی شدن، برخوردارند. لذا حوزه های علمیه سراسر کشور می توانند با بسیج امکانات مردمی در سطوح مختلف - اعم از مادی و معنوی - مدیریت فرهنگی کشور را به دست گیرند و انقلاب اسلامی را از این مرحله حساس و پیچیده سربلند خارج سازند.^{۱۷} پیشسازی حوزه ها در طرح موضوع نهضت تولید علم و آزاداندیشی در کشور، که با پیام تاریخی رهبر انقلاب در پاسخ به نامه جمعی از فضایی حوزه همراه شد،^{۱۸} نشانگر این بود که جوانان این ملت در حوزه ها قادر به ارائه راه حل های سازنده برای توسعه کشور می باشند و در این مسیر، مسلمانان امور فرهنگی از اولویت نخست برخوردار خواهد بود.

مفهوم سیاسی شدن حوزه ها

هنگامی که رهبر معظم انقلاب بارها بر لزوم سیاسی شدن دانشگاهها و فعال شدن جنبش دانشجویی تاکید می ورزند، قطعاً سیاسی شدن حوزه ها از اهمیت به مراتب بالاتری برخوردار خواهد بود. در طول تاریخ همواره دستهایی در کار بوده است تا علماء و روحانیان را از تفکر لزوم مداخله در امور کشور، حتی در چارچوب

نمودار ۱- عرصه های کارکردی روحانیت



نمودار ۲- پایگاه های سنتی روحانیت در جامعه



وظایف روحانیت، دور نماید. اما از آنجا که حضور روحانیت در عرصه سیاسی به هیچ وجه به مفهوم منفعت طلبی و سهم خواهی در قدرت نبوده و نیست، این حضور از سوی روحانیان یک حضور اصلاح گرایانه و موثر برای نیل به اهداف مقدس اسلام تلقی می گردد. بدیهی است وقتی سخن از سیاسی شدن حوزه ها به میان می آید، منظور هرگز ورود حوزه ها در منازعات و جنجالهای سیاسی جناحهای رقیب نیست؛ بلکه هدف، شناخت مسائل سیاسی از سوی روحانیان و احساس مسئولیت مضاعف در برابر حرکت صحیح حکومت و جامعه در مسیر اسلام و قانون اساسی می باشد. امروز حوزه های علمیه بیش از هر زمان محتاج تشکیل انجمنها و گروههای سیاسی برای تشخیص وضعیت حال و آینده کشور و حضور گسترده در عرصه هایی هستند که وظایف روحانیت آن را ایجاب می نماید. روحانیان باید تمامی بخشهای کشور را از وزارت فرهنگ و ارشاد گرفته تا وزارت امور خارجه، زیر ذره بین قرار دهند و با انتقادات سازنده از کنار هیچ مساله کوچکی به راحتی عبور نکنند. البته روحانیان باید از نفوذ عناصر کوفته فکر و متحجر در عرصه سیاسی نیز جلوگیری نمایند؛ چرا که این عناصر همواره با اقدامات عجولانه و ناپخته و نیز خروج از مرزهای عقلانیت و اعتدال، حیثیت حوزه ها را لکه دار کرده اند.

روحانیت و تسویه درونی

وجود نهاد قضایی مستقل برای رسیدگی به تخلفات و جرایم روحانی نماها، که البته تصویر دقیقی از عملکرد و روشهای فعالیت آن نهاد برای اغلب روحانیان وجود ندارد. به مفهوم رفع مسئولیت از حوزه ها برای اصلاح یا اخراج عناصر روحانی نمایی که از لباس و نام روحانیت سوء استفاده می کنند، نیست.^{۱۸} بی تردید عمل به اصل قرآنی امر به معروف و نهی از منکر در این موضوع از سوی همه روحانیان باتقوا و دلسوز کشور واجب است؛^{۱۹} چرا که حتی وجود تعداد بسیار اندکی افراد نالایق - اعم از مرفهین بی درد و یا افراد قانون شکن و بی تقوا و یا حتی کم سواد - در لباس روحانیت، حیثیت مجموعه حوزه های علوم دینی را شدیداً به مخاطره می اندازد.^{۲۰} چنان که امام راحل (ره) با دلسوزی و دغدغه فراوان همواره بر ضرورت صیانت از منزلت و حیثیت حوزه ها و طرد عناصر روحانی نما از محافل مذهبی تأکید داشتند.^{۲۱} به نظر می رسد در مرحله اول نصیحت و تذکر مکرر از سوی روحانیان دلسوز و در مرحله بعد، افشای هویت واقعی عناصر روحانی نما برای مردم به ویژه در خنثی سازی هجومه گسترده شایعات و اکاذیب دشمنان اسلام راهگشا خواهد بود.^{۲۲} از دیگر سو، لزوم مراقبت نسبت به ورود جوانان شایسته و مستعد به حوزه و نیز وضع ضوابط منطقی برای استفاده از لباس روحانی توسط طلاب و مهم تر از آن نظارت حوزه ها بر عملکرد روحانیان جوان از جمله اقدامات لازمی است که حوزه ها باید در صدد پیگیری آن باشند.^{۲۳} باین وجود کلیه مباحث مطرح شده ضرورت تشکیل سازمان مقتدر روحانیت را - که در قسمت نخست این مقاله به آن اشاره شد - بیش از پیش محرز می سازد. ■

پی نوشت ها

*info@Gholami-r.com

۱. اینجانب موفق به مستند ساختن برخی از این آمار به یک منبع معتبر مکتوب نشدم ولی این آمار را مدتی پیش از نگارش این مقاله در جلسهای خصوصی از معاون یکی از وزارتخانه های ذی ربط که مطالعه ای در این خصوص داشته اند، اخذ نمودم.
۲. مقام معظم رهبری، مدرسه فیضیه قم، آذرماه ۱۳۷۴: «من جزء کسانی بودم که مستدلاً و با تکیه بر ادله قوی معتقد بودم حوزه باید مستقل باشد. الان هم عقیده ام همین است. از کسی هم نمی خواهم تقیه بکنم، ملاحظه کسی را هم نمی کنم.»
۳. مرتضی مطهری، ده گفتار، تهران، صدرا، ۱۳۷۴، ص ۳۱۳: «روحانیون بزرگ ما باید به این نکته توجه کنند که بقا و دوام روحانیت و موجودیت اسلام به این است که زعمای دین ابتکار اصلاحات عمیقی که امروز ضروری تشخیص داده می شود، در دست بگیرند.»
۴. مرتضی مطهری، پاسخهای استاد به نقدهایی بر کتاب مساله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۸۱، ص ۲۷: «مثل این که علیه اسلام هرچه صورت بگیرد مانعی ندارد، فقط کاری که نباید بشود این است که خاطر مبارک آنان که دانسته یا نادانسته اسلام را مسخ کرده اند رنج نشود و غبار کمی هم بر اعتبار و حیثیت آنان ننشیند.»
۵. همان، ص ۷۱: «همیشه نباید انتظار داشته باشیم که با گفتن حقیقت، دستم را ببوسند...»
- و نیز وصیت نامه سیاسی - الهی امام راحل ره «اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد، بجای آن یک رژیم اسلامی دلبخواه بقیاله روحی فداه مطلع امر شما آقایان تحقق پیدا نخواهد کرد. بلکه یک رژیم دلبخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می رسد و محرومان جهان که به اسلام و حکومت اسلامی روی آورده و دل باخته اند، مایوس می شوند و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد و شماها روزی از کردار خود پشیمان می شوید که کار گذشته و دیگر پیشگیری سودی ندارد.»
۶. نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۲۲، نامه ۳۵، امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر: «والایان امور همواره خویشاوندانی دارند که عادتشان خودسری و گردنکشی و دست دراز کردن به مال مردم و بی انصافی در حق آنهاست، تو باید ریشه این امتیازطلبی ها را بشکنی.»
۷. مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، ۱۳۷۳، ص ۲۳۸: «پیغمبر (ص) در مسائل اصولی هرگز ترمش نشان نمی داد در حالی که در مسائل شخصی فوق العاده نرم و مهربان بود... علی (ع) در مسائل فردی و شخصی، در نهایت درجه نرم و مهربان و خوشروست، ولی در مسائل اصولی یک ذره انعطاف نمی پذیرد. لازم به ذکر است، تشخیص مقامی که از جهت شرعی مجاز به مصلحت اندیشی است، یک بحث فقهی می باشد و باید در جای خود مورد ملاحظه قرار گیرد.»
۸. مرتضی مطهری، ده گفتار، ص ۳۱۳: «امروز این ملت تشنه اصلاحات نابسامانهاست و فردا تشنه تر خواهد شد. ملتی است که نسبت به سایر ملل احساس عقب افتادگی می کند و عجله دارد به آنها برسد. از طرفی مدعیان اصلاح طلبی که بسیاری از آنها علاقهای به دیلت ندارند زیاده و در کمین احساسات نو و بلندنسل امروزند. اگر اسلام و روحانیت به حاجتها و خواسته ها و احساسات بلند این ملت پاسخ مثبت ندهد به سوی قبله های نوظهور متوجه خواهند شد.»
۹. مرتضی مطهری، استاد مطهری و روشنفکران، گردآوری اکبر رحمتی، تهران، صدرا، ۱۳۷۳، ص ۱۴۳: «اسلام جهت گیری اش به سوی عدالت و مساوات و برابری است. بدیهی است کسانی که از این جهت گیری سود می برند و منتفع می گردند محرومان و مستضعفان اند و کسانی که از این جهت گیری زیان می بینند، غارتگران و استعمارگران و استعمارگران اند.»
۱۰. مرتضی مطهری، ده گفتار، ص ۳۱۴: «تو اسلام منهای روحانیت را همواره یک تز استعماری دانسته و می دانی، معتقدم هیچ چیز نمی تواند جانشین روحانیت ما بشود. حاملان فرهنگ اصیل و عمیق و ذی قیمت اسلامی تنها در میان این گروه یافت می شوند. آن تقواها، ایمانها، معنویتها، اخلاصها، و آن جوششها و جنبشها و فداکاریهایی که رمز اصلی بقا، ملت ما است تنها در این سرزمین مقدس سر می زند.»
۱۱. مقام معظم رهبری، امر به معروف و نهی از منکر، ناشر: سازمان

۱. تبلیغات اسلامی استان تهران، ص ۳۴: «یک عده ای سازندگی را با مادی گرایی اشتباه گرفته اند. سازندگی چیزی و مادگرایی چیز دیگری است. سازندگی یعنی این که کشور آباد بشود و طبقات محروم به نوایی برسند.»
۱۲. مرتضی مطهری، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات حکمت، ص ۱۴۸: «چرا اسلام را حرام کرد و رشوه را حرام کرد. آیا ممکن است با وجود این ظلم فاحش ولو آنکه صورت شرعی داشته باشد که یکی دیگری را می درد و می رباید و می خورد، آکل و ماکول به حکم علاق می شود؟»
۱۳. همان، ص ۱۴۹: «اسلام نه تنها با اسراف مبارزه کرد، از تشا، ربای، کم فروشی، گرافروشی، بیکاری، و کل بر جامعه بودن را مخالف نظام اجتماعی خود دانست و از میان برد. بلکه با تبعیضات غیرمالي گوناگون اعم از رنگ و نژاد و قومیت نیز به شدت مبارزه کرد. در اسلام حتی با القاب هم مبارزه شده.»
- همچنین امام خمینی، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ج ۲۱، ص ۱۵۸، سخنرانی امام در جمع ملت ایران، ۶۷/۱/۱۱: «برنامه ریزی در جهت رفاه متناسب با وضع عامه مردم توأم با حفظ شاعر و ارزشهای کامل اسلامی و برهیز از تنگ نظری ها و افراط گرایی ها؛ و نیز مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگ ترین آفت یک جامعه انقلابی است...»
۱۴. رک مقام معظم رهبری در جمع اعضا شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ: ۸۲/۱/۱۸
۱۵. مرتضی مطهری، پاسخهای استاد به نقدهایی بر کتاب مساله حجاب، ص ۲۹: «مردم از ملایر بی اعتقاد زاینده نشده اند، بالعکس متمایل و علاقمند و به نوعی معتقد زاینده شده اند کل مولود یولد علی الفطره.»
۱۶. مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۲۸۹: «پیامبر اکرم می فرمایند، من از امت خود، از بی تدبیری بیم دارم نه از فقر.»
۱۷. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵۸، سخنرانی امام در جمع ملت ایران، ۶۷/۱/۱۱: «مهمترین عامل در کسب خود کفایی و بازسازی توسعه مرکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده اند که می توانند کشور را روی پای خود نگاهدارند. انشاءالله این استعدادها در پیچ و خم کوچه های اداره ها خسته و ناتوان نشوند.»
۱۸. همان، ج ۱۸، ص ۲۳۸، سخنرانی امام در جمع ملت ایران، ۶۷/۱/۱۲۲: «مساله حوزه های علمیه فقهاتی و مساله دانشگاهها از اهمیت ویژه ای برخوردارند... اینان هستند که اصلاح و صلاح آنها کشور را به صلاح می کشاند و خدای بخوانسته فسادشان منشأ فساد یک ملت است.»
۱۹. مقام معظم رهبری، امر به معروف و نهی از منکر، ص ۵۵: «قوم حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اختیار به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر زنده باشد. امر به معروف و نهی از منکر فقط این نیست که ما برای اسقاط تکلیف دو کلمه بگوییم آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست مهمترین منکرات باشند.»
۲۰. مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۴۸۹: «پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: زبان نادانان، بیش از ضرری است که تبهکاران به دین می رسانند...» و نیز همان ص ۲۸۶: «پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: دو گروه از امت من هستند که اگر صلاح یابند، امت من صلاح می یابد و اگر فاسد شوند، امت من فاسد می شوند. علما و حکام.»
۲۱. وصیت نامه سیاسی - الهی امام راحل (ره): «وصیت اینجانب به حوزه های مقدسه علمیه آن است که کراز عرض نموده ام که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می نمایند و یکی از راههای با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبهکار در حوزه های علمیه است.»
۲۲. مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۴۹۰: «پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: آفت دین سه چیز است: فقیه بدکار، پیشوای ظالم، مقدس نادان.»
۲۳. همان، ص ۲۹۲: «پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: عالم فاسد، بدترین مردم است.»